

حکومت نظامی در ارومیه

هر روز که میگذرد حکومت جمهوری اسلامی دشمنی خود را با خلقهای دلاور ایران، علی الخصوص خلق بیباخته کرد، بیش از پیش آشکار میسازد. رژیم جمهوری اسلامی برای مقابله با جنبش مقاومت خلق کرد همه تجارب امپریالیسم و ارتجاع را بکار می بندد. تجاربی که در برابر امواج انقلابی توده های ستمکش کرد یارای مقاومت نداشته و حکومت به عبث می بندد از آنکه با توسل به آنها قادر به خفه ساختن جنبش خلق کرد است. لشکرکشی های مکرر ارتش جمهوری اسلامی به کردستان بیباخته، گسیل پاسداران سرمایه، قتل عام و بمباران مردم بی دفاع، ترور پیشمرگان کرد، محاصره اقتصادی خلق کرد و..... از جمله طرقی بود که حکومت جمهوری اسلامی بدان دست یازید. اما همه و همه در مقابل جنبش مسلحانه خلق کرد مجبور به شکست بودند. اینک که این جنبش بحق می رود تا ضربات کاری را بر بیکر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی وارد آورد، حکومت به یکی دیگر از

بقیه در صفحه ۴

رنجبر روی زمین اتحاد
پیکار خلق
یکشنبه ۳ آبان ۵۹
گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

جنگ ایران و عراق و بهره برداری سران حکومت از آن

مدتی است که روزنامه های وابسته به حاکمان وقت، چه بصورت تیتروهای بزرگ و چه بصورت خبر از این یا آن آژانس خبری، مطالبی را درج میکنند و سپس نتیجه میگیرند که بلوک غرب بالاخره مجبور شده است که "انقلاب ما" را برسمیت بشناسد. از جمله چنین می نویسند

"ماسکی (وزیر امور خارجه آمریکا) گفت ما مخالف تجزیه ایران هستیم. معتقدیم که انسجام ایران بنفع ثبات تمامی منطقه است..... استقلال و تمامیت ایران بر اثر حمله عراق مورد تهدید قرار گرفته است" و یا اینکه "رادیوها و خبرگزاریهای خارجه مقاومت دلیرانه ارتش و سپاه پاسداران راستوخت. حبیب شطی این مهره امپریالیسم آمریکا که دیرک کفران کشورهای اسلامی است در ملاقاتش با خمینی میگوید "این انقلاب اسلامی ایران، دشمن های زیادی دارد، زیرا این انقلاب اسلامی مبارک شعبه مسلمانان حیات تازه بخشید و بعد از اینکه باید گفت اسلام فراموش شده بود و مسلمانان ما میخواستند این انقلاب را بگیرند و بیدار لازم ربه تمام ملت های اسلامی ببخشاید". نیویورک تایمز می نویسد "عراق هیچگاه به هدف سیاسی خود نخواهد رسید و..... خواننده حتما فراموش نخواهد کرد که تا چندی پیش تمام دستگاه های تبلیغاتی رژیم ظاهر تبلیغ میکردند که آمریکا با پشتیبانی از عراق قصد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را دارد. تویپ های تبلیغاتی رژیم آن چنان محکم بنظر می آمد که ساده لوحان سیاسی را گیج و سردرگم نموده بود. اما برای کسانی که میخواهند به حقایق سیاسی و اجتماعی در اوضاع بفرنج کونی بی بربند، علائم و

بقیه در صفحه ۲

تشدید خفقان و افزایش بگیر و ببند

رژیم جمهوری اسلامی مستأصل از فعالیت مبارزاتی سازمانهای انقلابی و کونیست و افزایش اعتماد توده های زحمتکش نسبت به انقلابیون، هر روز بر تعداد زندانیان سیاسی می افزاید. هر روز که میگذرد توده های بیشتری درمی یابند که حقایق را باید از انقلابیون

راستین بشنوند و دستگاه های تبلیغاتی رژیم جز دروغ چیزی تحویل آنها نداده و نخواهد داد. در رابطه با مسئله جنگ نیز تشنگی توده ها برای دریافت اخبار صحیح بچشم می خورد. برای حکومت جمهوری اسلامی بسیار خوش آیند است که مردم به رادیوهای ارتجاع و امپریالیسم گوش فرادهند، اما یک اعلامیه خبری در مورد اوضاع فلاکت بار جنگ نخوانند.

به همین جهت همه نیروهای سرکوب خود را بسیج کرده است تا با گسترش شرایط خفقان از فعالیت انقلابیون بکاهد و از توجه و تمایل توده ها نسبت به نشریات و اعلامیه های انقلابی جلو گیرد. در همین رابطه است تبلیغات زهر آگین حکومت در مورد شایعه سازی و توجیه دستگیری مبارزان انقلابی.

روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۶ مهر

بقیه در صفحه ۳

دار و دسته بارزانی چاکران

امپریالیسم، یاور

جمهوری اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی در پوشش جنگ با رژیم بعث عراق، همکاری خود را با ارتجاعیون کرد بسط و گسترش میدهد. هر قدر خلق بیباخته کرد مورد تهاجم ارتجاع کونی قرار گرفته است، بهمان میزان

بقیه در صفحه ۴

پادشاه مخلوع را با امپریالیستهای رنگارنگ تجدید حیات نمایند و همچنین این جنگ را وسیله ای قرار دهند برای آنکه بتوانند جناحهای خود را با کمک امپریالیستهای رنگارنگ مستحکم کنند و با تبلیغات در مورد برحق بودن جنگ با عراق به توده های متوهم آن چنان وانمود سازند که گویا کسانیکه خلقهای ایران به زیر پنجه های خونین امپریالیستهای "واقعیت زمانه" سرچشمه میگرد. نکته قابل ذکر در اینجا این است که اگرچه در ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی هر کدام باروش خود سعی می کنند که جناحی از سرمایه داری ایران را بسوی خود جلب کنند و از آن بنفع خود بهره برداری نمایند، اما جناحهای سرمایه داری ایران تاکنون چنان رفتار نموده اند که نشان میدهند مایلند در گردونه بلوک امپریالیستی غرب باقی بمانند. تعریف و تمجیدهای رؤسای دول امپریالیستی غرب از حکومت ایران در ارتباط با همین امر است. اضافه کنیم که تصویب نامه اخیر هیئت وزیران در مورد خرید اسلحه و مهمات از خارج و گذاشتن بودجه فراوان در اختیارش در رابطه با این مسئله است که اکنون ارتش با سیستم آمریکائی آن بسرعت بازسازی شود و قرارداد های اسارتباری که منعقد خواهد شد در این شرایط، یعنی شرایط جنگ ایران و عراق برحق جلوه داده شود.

اکنون دو جناح حزب جمهوری اسلامی و بنی صدر و شرکا با هم بمسابقه پرداخته تا هر کدام خود را بعنوان تنها پیاپیاده کنند. این نقشه امپریالیستی جابزنند. جنگ نا عادلانه ایران و عراق تضاد دو جناح سرمایه داران ایران را برای بیشتر تثبیت نمودن خود تشدید نموده است تا جائیکه حزب جمهوری اسلامی بتوسط رجائی و دیگر مهره های خود در دولت، تصویب نامه هائیکه رامیگردانند که به امضاء بنی صدر نمیرسد و یا اینکه بوسیله شورای عالی دفاع قدرت بنی صدر را کاهش میدهد و همچنین در راهی و تلویزیون مهره های جناح بنی صدر را آنان جاکه قدرت داشته است، به بیرون برتافت می کند. بنی صدر ناراضی از این اعمال رقیب

در کارنامه خود مینویسد "مجری قانون اساسی
رئیس جمهوری است نه نخست وزیر. نما-
یندگان که بخارج فرستاده میشوند باید بسا-
تصویب رئیس جمهوری باشند و و و و و . باز این
مورد هم غنیمت شمرن اشتغال رئیس جمهری
است بمسائل جنگ و میخ قدرت رامحکم کردن
است که با هیچ اخلاقی هم موافق نیست . و
ن اینرا شفاها بیه ایشان گفتم . گفتم لا اقل
این امور را در زمان جنگ تعطیل کنند و اگر
یاری اساسی نمیکند بهتر است این کارها را
هم نکند و دست و پا را نگیرد تا جنگ تمام
بشود " (انقلاب اسلامی ۲۹ مهر ۵۹)
حزب جمهوری اسلامی موقعیت جنگ بین
ایران و عراق را مفتنم شمرده و تا حد زیادی
حاضر نیست با جناح رقیب همکاری نماید . او
میخواهد از این وقت طلایی کمال استفاده
رابط و رقیبش را در یک کوجه بن بست قرار
بدهد . بنی صدر برآشفته از این امر
در روزنامه انقلاب اسلامی می نویسد "تصویر
نامه هارا هم که باید موافق قانون اساسی
برای تصویب رئیس جمهوری میفرستادند تا
بحال نفرستاده اند بنا بر این اعمالی که تا
بحال بنام هیئت وزیران انجام گرفته است
غیر قانونی است و این رویه ای نیست که من
بعنوان رئیس جمهوری و مجری قانون اساسی
بتوانم آنرا تحمل کنم" . جناح بنی صدر بخوبی
میداند که خمینی طرفداری بسیار زیادی از
حزب جمهوری اسلامی میکند و گاه آگاهانه
جناح او را تضعیف مینماید . این جناح
بخصوص پس از فرمان تشکیل شورای عالی
دفاع موقعیتش را تا حدی تضعیف شده می
بیند . جالب است که بدانیم بنی صدر
خود را بابت اد تشکیل شورای عالی نقش
داشته است و منظورش آن بود که از طریق
این شورا جناح خود را چه در فرماندهی ارتش
و چه در تبلیغات مربوط به جنگ مستحکم
گرداند ولی این استحکام با ورود رفسنجانی
خامنه ای و پرورش و به سستی گرائید .
با این حال بنی صدر از کوشش برای قبضه
کردن ارتش بطور کامل در دست جناح
خود مضایقه نمی نماید . مسافرت وی بجنوب
کشور و اطراق اود را نجا برای تثبیت موقعیت
جناح خود میباشد . بقیه در صفحه ۳۰

آثار فراوانی موجود است که میتواند آنها را
راه را از چاه باز شناسد و واقعیتها را باز
گوید . بگذریم از سازشهایی که در پشت
پرده سران جمهوری اسلامی ایران بنا
امیرپالیستهای رنگارنگ کرده اند تا لحن
خبرگزاریهها و مهره های آنان نسبت به
" انقلاب اسلامی " تغییر یابند . هر آنچه که
از لایبای کلمات سران حکومت ایران بیرون
میتراود خود بسیار گویاست و کسانی که نخوا
هند براهند افی که در کلمات غیر مستقیم بیان
میشود ، انگشت بگذارند و سعی نمایند که
پرده ها را بردارند و واقعیت عریان سیستم
سرمایه داری وابسته را به توده ها بشناسا
. ، اگر نگوئیم جنایت کرده اند ، خوا
هیم گفت که عوامفریبی نموده و آب به آسیاب
 رژیم میریزند .

بنی صدر در ملاقاتی با سفیر شوروی ، از وی خواسته است که نسبت به اجرای قرار داد نظامی ای که با روسیه بسته شده است کوشا باشند و بالاخره از لابلای جملاتش چنین پیدا است که ارتش جمهوری اسلامی از تجهیزات روسی بی بهره نبوده و سران حکومت جمهوری اسلامی همچنان مایل به ادامه سرانزیدن اسلحه های روسی به ایران میباشند . وی میگوید " بعد مسئله قرار دادی که بین ایران و روسیه در مورد تجهیزاتی که بعد از ده یونند و تأمین قطعات و آلات آنها را گفتم " (انقلاب اسلامی ۳۰ مهر ۵۹) . از سوی دیگر رجائی در یک مصاحبه مطبوعاتی با شرکت خبرنگاران رادی و خارجی میگوید " ما هیچ وجه آزادی گروگانها را با اسلحه و لوازم یدکی مربوط نمیکنیم ایران پول مقدار یدکی لوازم یدکی را به آمریکا پرداخته است که آمریکا با لماناز ورود آنها به ایران خود داری کرده است " .
آیا گفتمانهای نقل شده در بالا بدون هیچگونه دلیل هستند ؟ خیر . بنظر ما هر که ام از این وجناح ارتجاعی از سوئی بروز جنگ را برای توجیه بستن قرارداد های نظامی با امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم مساعد یافته و از سوی دیگر سعی میکنند که تمام قرارداد های اسلحه

افزایش فقر، بی‌خانمانی، فحشی و..... نیست!

تشدید خفقان...

خبر از دستگیری ۵ نفر ضد انقلاب شاه -
 یحه ساز "میدهد و بعد از قول یکساز
 مسئولین کمیته مرکزی مینویسد "این قبیل
 اشخاص با شایعه پراکنی سعی دارند وضع
 جبهه‌های جنگ و جانبازی و فداکاری
 مبارزان کشورمان را علیه رژیم بعثی و سر
 سپرده آمریکای جنایتکار وارونه جلوه دهند
 با حضور در اماکن عمومی و وسائط نقلیه
 از قبیل تاکسی و اتوبوس با شایعه پراکنی
 به تضعیف روحیه مبارزان و انقلابی کشورمان
 می‌پردازند". اما براستی منظور از وارونه
 جلوه دادن "و" تضعیف روحیه چیست؟
 کمونیستهای راستین میهنان با وقوع جنگ
 میان دو رژیم ارتجاعی ایران و عراق ضمن
 موضعگیری صحیح خود مبنی بر ناعادلانه
 و ارتجاعی بودن این جنگ کوشیدند در
 نشریات و اعلامیه‌های خود اخبار جنگ را
 آنگونه که هست و نه آنگونه که حکومت جعل
 میکند در اختیار مردم بگذارند. دستگاه
 تبلیغاتی رژیم هر روز خبر از "پیشروی و
 "پیشروی ارتش و پاسداران میدهد درحالی
 که ارتش عراق در خاک ایران بوده و از موضع
 سلطنتی برخوردار است. بلندگوهای رژیم
 وانمود میکنند که به تسلیح عمومی مردم پرداخته
 اند در حالیکه مردم بی اسلحه در مقابل
 مبارزانی هوائی و تانک و توپ ارتش عراق
 قرار گرفته و مجبور به ترک شهرهای جنگ
 زده شده‌اند. حکومت از کافی بودن نفت
 و ارزاق عمومی و ارزان شدن مایحتاج مردم
 سخن میراند در حالیکه قحطی و گرانی علی
 الخصوص در مناطق جنگی بیداد میکند.
 حکومت میخواهد خود را میهن پرست و ضد
 امپریالیست جا بزند و از تنفر بحق توده‌ها
 نسبت به رژیم بعث عراق سوءاستفاده کند،
 در حالیکه زده‌بندهای وی با امپریالیست
 و ناگونی وی را رسوا میسازد. رژیم میخواهد
 افکار توده‌ها را متوجه خارج سازد و در
 داخل خود را تحکیم بخشد. حکومت هزار
 و یک خواسته ارتجاعی دیگر دارد که می
 خواهد با بهره گرفتن از توهم توده‌ها
 بخصوص با مفتنم شمردن بیوز جنگ به اجرا
 در آورد. اما انقلابیون اصیل و کمونیستها
 که با موضعگیری صحیح خود در مقابل مسئله
 جنگ دست حکومت را از جمله در موارد بالا

باز می‌کنند و به توده‌ها میگویند که: این
 رژیم ضد امپریالیست نیست، ارتش و پاسداران
 مدافع این حکومت و سیستم سرمایه‌داری -
 وابسته هستند. ارتش و پاسداران در جبهه
 جنگ با عراق از منافع سرمایه‌داری حمایت
 میکنند نه منافع توده‌های جنگ برای زحمتکشان
 قحطی و فلاکت بیشتر بیار آورده است
 حکومت بسرکوب خلق قهرمان کرد همچنان
 ادامه میدهد دشمن در داخل و در حکومت
 است. میهن "اسلامی" فریبی بیش نیست.
 دفاع از میهن یعنی دفاع از میهن سر
 مایه‌داران و... آری این انقلابیون که
 چنین میگویند برای حکومت سد بزرگی
 هستند پس باید آنها را از سر راه برداشت
 لذا اتهام شایعه‌سازی و وارونه جلوه دادن
 اخبار جنگ وسیله خوبی برای حکومت میگردد
 بر تعداد انقلابیون در بند روز بروز افزوده
 می‌گردد و هر آنکس را که مشغول خواندن
 اعلامیه‌های انقلابی و کمونیستی هستند و
 جستجوگر حقایق روانه زندان میسازد موج
 دستگیریها افزایش مییابد. روزنامه جمهوری
 اسلامی در رابطه با دستگیری ۵ نفر باز
 هم از قول همان مسئول کمیته مرکزی مینویسد
 "یکی از رانندگان تاکسی که با اتفاق چند
 سرنشین دیگر در منطقه غرب تهران مشغول
 توزیع اعلامیه بر ضد ارتش و دولت بودند توسط
 پاسداران کمیته انقلاب اسلامی منطقه ۸
 دستگیر شدند". جان کلام اینجاست
 و مسئله اساسی اینست که هر آنکس حاضر
 به تسلیم در مقابل حکومت نشد به مبارزه
 انقلابی علیه حکومت سرمایه‌داران دست
 زد به توزیع اعلامیه ضد رژیمی پرداخت در
 زمان جنگ اهداف حکومت را از جنگ باز
 گفت و حقایق را با توده‌ها در میان گذاشت
 جایش در گوشه زندان است. بنابر این مسئله
 شایعه‌سازی و تضعیف روحیه مردم عوام فریبی
 بیش نیست. رژیم اگر چه مهر شایعه‌سازی
 بر دستگیر شدگان می‌کوبد اما ناچار میشود
 اعتراف کند که مسئله چیز دیگری است
 همانگونه که از نقل قول بالا مستفاد میشود.
 تشدید خفقان و سرکوب و افزایش موج
 دستگیری و بگیر و ببند خود بیانگر وحشت
 حکومت از بیداری توده‌ها است که انقلابیون
 و کمونیستها نقش اساسی را در این بیداری
 ایفا میکنند

جنگ ایران...

سرکشیهای او به پادگانهای مختلف و
 اصرار وی برای در جریان قرار گرفتن روزمره
 او چیزی نیست جز گوشش برای مستحکم
 کردن پیوند جناح خود با فرماندهان نظامی.
 اما حزب جمهوری اسلامی که باره یافتن به
 شورای عالی دفاع از نظر قانونی خود را قوی‌تر
 می‌بیند میکوشد با فرستادن مهره‌هایی چون
 آیت الله منتظری به جبهه جنگ نیز ضمن
 تلقین به پرسنل ارتش که گویا جنگ برای
 خدا و اسلام و علیه کفر است برای آینده که
 جنگ تمام شد نقشه ریزی نماید و سرنوشت
 جنگ را که بنظر ماهیچکام از طرفین پیروزی
 را بدست نخواهند آورد نتیجه کوششهای
 جناح خود بداند. همچنین با تبلیغات
 فراوان علاوه بر تشدید توهم جنگ مذهبی در
 جناح خود بداند. همچنین با تبلیغات
 از دهان توده‌های ناآگاه برپایه‌های خود
 استحکام بیشتری بدهد. جناح بنی‌صدر
 در رقابتش با حزب جمهوری اسلامی مجبور
 به اعتراف به این امر می‌گردد و در روزنامه
 انقلاب اسلامی مورخ ۲۹/۷/۵۹ میخوانیم
 "فردای پیروزی مدعی پیروزی بسیار خواهد
 شد هرکسی و هرگروهی خواهد گفت که این
 پیروزی را او بدست آورده است". بهرحال
 قصد ما از آوردن چنین نقل قولهایی آنستکه
 نشان دهیم جنگ ایران و عراق جد الهی
 و جناح سرمایه‌داری ایران را تشدید
 کرده است.
 توده‌های زحمتکش امروز با تمام
 تبلیغات رژیم حس میکنند که این جنگ
 چیزی جز بی‌خانی قحطی بیکاری و...
 برایشان بارمغان نیاورده است اما برای
 این یا آن جناح از سرمایه‌داران این کشور
 "برکت" قدرت و منافع بیشتر به‌همراه داشته
 است.
 کمونیستهای ایران میدانند تا زمانی که
 سرمایه‌داری پابرجاست چنین عوام‌فریبی
 - ها و حقه بازیها همواره بنام خلقها و بضرر
 آنها بوقوع می‌پیوندد. جنگ سرمایه‌داران
 برای توده‌ها مضافی نداشته و تنها ناآگاه
 کردن خلقها و مورد سرشت سرمایه‌داری و
 سپس بگورسپردن سرمایه‌جهانی است که
 جنگهای ناعادلانه پایان یافته و خلقها
 سرنوشت خویش را بدست میگیرند

حکومت نظامی ...

تجارب ارتجاعی متوسل میشود و آن استقرار حکومت نظامی میباشد، همان که بینش وحشت ارتجاع از گسترده تر شدن مبارزات است. در روز ۲۶/۷/۵۹ برقراری حکومت نظامی در شهر ارومیه از سوی "ستاد امنیت ارومیه طی اطلاعیه" شماره ۲۰ این ستاد اعلام میشود. طبق این اطلاعیه مقررات منع عبور و مرور از ساعت ۸ شب تا ۵ صبح باید اجراء گردد. باید داریم که چگونه رژیم منفرجه پهلوی نیز برای مقابله با مبارزات بحق خلقهای ایران به این حربه دست یازید و باز هم بخاطر داریم که چگونه توده های خلق بی توجه به اطلاعیه های مکرر فرماندار نظامی و با تحقیر مرگ و عشق به فریادی آزاد، بخیا با نهان ریخته و رژیم را مستحکم ساختند. دست اندرکاران حکومت جمهوری اسلامی آن زمان را بخاطر دارند و میدانند که مستمیدگان را از گلوله حکومت نظامی باکی نیست. اما منطبق بر ارتجاعیشان آنها را و میدارد که آزمودنها را دوباره بپایان نیاورند. حکومتی خواهد بود بهر طریقی که شده جنبش مقاومت خلق کرد را سرکوب سازد، لذا میبندد که با برقراری حکومت نظامی در ارومیه میتواند خواست ارتجاعی خود را جامه عمل بپوشاند. خلق کرد در طول جنبش مقاومت نشان داده است که با همه توانش برای کردستان آزاد میزند. خلق کرد در هفته آزمونهای ارتجاع سر بلند بیرون آمد و اینک نیز فرمان حکومت را مبنی بر منع عبور و مرور در ساعات ذکر شده به هیچ گرفته و به همراه خلق ترک که در ارومیه ساکن هستند با تداوم مبارزات خود مشت محکمی بر پوزه حکام جدید خواهند کوبید.

○ توضیح

مادر پیکار خلق شماره ۴ و ۵ ماهیت جنگ ایران و عراق را ارتجاعی ارزیابی نمود و آنرا بنفع خلقهای دو کشورند انستیم. ما اگرچه باین موضع صحیح دست یافته بودیم، اما با بیان شرکت کمونیست ها در جنگ بشکل مستقلانه و بر علیه تجاوز عراق بطریقی بموضع "دفاع از میهن" در افتادیم. ما این نظرا بباد انتقاد گرفته موضع خود را در شماره های بعد پیکار خلق تصحیح نمودیم. امید داریم

دارودسته ...

عمال امپریالیسم را مورد ملاحظت قرار میدهند. امروز جنگ، رژیم برای پیشبرد اهداف خود بازماندگان بارزانی را بباری طلبیده است. طبق خبر روزنامه ها ۵۰ تن از آنان بجهت گمیل شد ماند که شیخ محمد خالد بارزانی، اندر ریس بارزانی و چند تن از سران خاندان بارزانی از آنجمله اند. چندی پیش نیز شاهد رفت و آمد های اندر ریس بارزانی بتهران و ملاقات وی با جرمان بودیم که در رابطه با سرکوب خلق کرد و همکاری با رژیم صورت گرفت. اما ایسن در اردو دسته کیست؟ تاریخ پیش روی ماست و خیانت های ملامصطفی بارزانی بجنبش خلق کرد ننگ آن. پس از شکست جنبش خلق کرد در عراق ملامصطفی با فرار خود به ایران به خلق کرد پشت کرد و در مقابل با همکاری با سیا و ساواک را مارتد را پیش گرفت. ملامصطفی در روز ۲۲/۱/۷۵ به شاه گفته بود "ما تحت فرمان شما هستیم، ما بگوئید بمرید میبیریم، بگوئید بژئید میبیریم ما بشما وفادار بود ما بپوهنوزم هستیم و رأیند نیز چنین خواهیم بود". بارزانی در نامه خود به کارتر برای تبریک ریاست جمهوری وی در تاریخ ۹ فوریه ۷۷ چنین مینویسد: "..... همزستی مسالمت آمیز با رژیم بعث عراق غیر ممکن شد لذا ما به دوستان آمریکائی و ایرانیان رجوع کردیم..... ما کرد هائی که از طریق تعهد شفاهی شرافتاً هم به ایالات متحده و هم ایران وابسته بودیم..... ما با تعهد کم از جانب رفقایمان وارد جنگ شدیم، لاکن ناگهان... محروم شده از کمک آمریکا و ایران..... آخرین پیر ما زرام کرد هنوز بازی نشده است اینک تراوی خاتمه یابد... به شما بستگی دارد... آنان (منظور خلق کرد است - پیکار خلق) بمن میگردند، من، آقای رئیس جمهور شما رجوع می کنم... مصیبتی که بر مردم من وارد آمده است... اعتقاد شان بوده است به... دوستی با غرب و اعتماد شان با اصول آمریکا و اطمینان شان از این که این اصول خواهان حمایت از ملل ضعیف بوده از آنان پشتیبانی مینماید تا حقوق انسانی اساسی شان را بدست آورند. مردم من بمن اعتماد داشته اند من اکنون این اعتماد را بشما منتقل میکنم". (تأکیدات از ماست)

که در جزوه "تئوریک سیاسی گروه بتوانیم بشکل مبسوطی در مورد ماهیت ارتجاعی این جنگ سخن بگوئیم و موضع خود را دقیق تر ارائه دهیم.

اگرچه نقل قول طولانی بود، اما میخواستیم نشان بدیم که حکومت جمهوری اسلامی از یاری چه کسانی برخوردار است، کسانی که بنا - حق خود را سخنگوی خلق کرد جامیزند و اعتماد و اعتقاد شان زابه شخص کارتر و اصول آمریکا، یعنی همان اصول سرمایه داری انحصاری، یعنی همان چاکری نسبت با امپریالیسم را بشوت رسانیده اند. بازماندگان بارزانی نیز همچنان با این اصول وفادار هستند آنها همان نقد رخائن بخلق کرد و در زد و بند با امپریالیسم آمریکا هستند که ملامصطفی بود. براستی اکنون که جمهوری اسلامی میگوید که "جنگ با عراق یعنی جنگ با آمریکا"، "جنگ با صدام یزید یعنی جنگ با کارتر"، چگونه می تواند از یاری کسانی که با رئیس جمهور شدن کارتر از شادی در پوست خود نمی گنجیدند، بهره مند شود؟ آیا همکاری با اعمال امپریالیسم نشان نمیدهد که رژیم جمهوری اسلامی خود همکار امپریالیسم بوده و برای حل اختلافات خود با رژیم بعثی عراق، فقط متکی با امپریالیسم و اعمال وی بوده ضمن اینکه از نیروی توده ها نیز با فریب و نیز ترس استفاده میکند؟ چرا. زیرا سیستم سرمایه داری وابسته و حافظین این سیستم فقط در گرد و نم امپریالیسم موجود می یابند و قادر بر زندگی هستند.

براستی این در یوزگان درگاه امپریالیسم چه گونه میخواهند در جبهه جنگ با عراق با اربابان خود وارد جنگ شوند؟ آیا شرکت در اردو دسته بارزانی در جنگ با عراق و همکاری با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی خود یکو از لائل ناعاد لانه بودن جنگ و اینکه این جنگ، جنگ ارتجاعیون بوده و توده های زحمتکش ایران و عراق را از آن نفعی نیست، نمیشد؟ هر آنکس که می پندارد این جنگ جنگ میهن پرستانه و جنگ توده های محروم است، باید منافع وابستگان با امپریالیسم و منافع توده ها را یکی گرداند. چه اگر اعمال امپریالیسم را از این جنگ بهره ای نبود، در آن شرکت نمی ورزیدند. البته گفتیم این یکی از لائل ارتجاعی بودن جنگ ایران و عراق است. ما در مقالات مکرر به جنبه های دیگر این جنگ برخورد کرده ایم و قصد ما در این - جای این بود که یاوران حکومت از چه قماش هستند و چگونه به دست بوسی امپریالیسم

آمریکا شتافته و از هیچ کوششی برای به تسلیم کشاندن جنبش خلقی کرد دریغ نورزید ماند.

پیش بسوی جمهوری دمکراتیک خلق